

بسم الله الرحمن الرحيم

عنوان: دغدغه

زمینه انتشار: سیاسی، فرهنگی و اجتماعی

ترتیب انتشار: گاهنامه

تاریخ انتشار: ۱۴۰۰/۴/۳۰

صاحب امتیاز: بسیج دانشجویی دانشگاه محقق اردبیلی

مدیر مسئول: احمد قلی نژاد

سر دبیران: سپیده قهرمان پور، محمدحسین جلیلی

کارشناس نشریات: مهندس سعید بوداقلی

شماره و تاریخ مجوز: ۱۴۰۰/۳/۲۵/م/ف/۳۸۲۱

هیئت تحریریه: سیده لیلا ذاکری، سپیده قهرمان پور، زینب تقی زاده طبری

فهرست:

سخن سردبیر.....صفحه ۱

در جستجوی معنا.....صفحه ۲

تعامل بازنده.....صفحه ۳

کمر پوزه کوتاه ایرانی را شکستند.....صفحه ۵

پایان بازی فروشندگان.....صفحه ۶

جنگ و صلح.....صفحه ۷

عاقبت به خیر.....صفحه ۸

خطرناک تر از کرونا!.....صفحه ۹

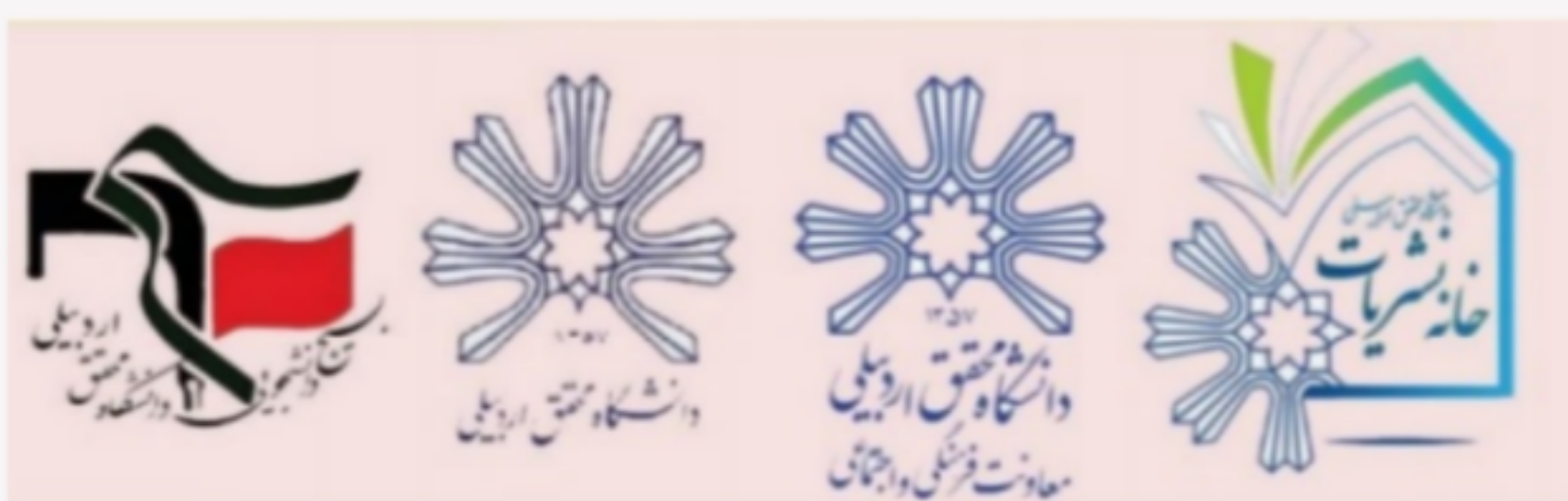
کانال ارتباطی

اینستاگرام

@uma_daghdagheh

ربات تلگرامی (آرشیو شماره های قبلی)

@umadaghdagheh_bot



سخن سردبیر

سپیده قهرمان پور

ما فرزندان مکتبی هستیم که از دشمن امان
نامه نمی‌گیریم.
(شهید جهاد مغنیه)

سخن آغازین را با سخن یگانه سردبیر عالم، پروردگار
جهانیان مبین می‌کنیم:
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
به نام خداوند رحمتگر مهربان

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ تُلْقُونَ
إِلَيْهِم بِالْمَوَدَّةِ وَقَدْ كَفَرُوا بِمَا جَاءَكُمْ مِنَ الْحَقِّ يُخْرِجُونَ
الرَّسُولَ وَإِيَّاكُمْ أَنْ تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ رَبِّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ خَرَجْتُمْ جِهَادًا
فِي سَبِيلِي وَابْتِغَاءَ مَرْضَاتِي تُسِرُّونَ إِلَيْهِم بِالْمَوَدَّةِ وَأَنَا أَعْلَمُ
بِمَا أَخْفَيْتُمْ وَمَا أَعْلَنْتُمْ وَمَنْ يَفْعَلْهُ مِنْكُمْ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ
السَّبِيلِ ﴿١﴾

ای اهل ایمان دشمن من و دشمن خودتان را دوست
خود نگیرید، شما با آنها اظهار دوستی کنید، در حالی که
آنان قطعاً به آن حقیقتی که برای شما آمده کافرند [و]
پیامبر و شما را به‌خاطر ایمانتان [از وطن] بیرون می
کنند، اگر برای جهاد در راه من و طلب خشنودی من
بیرون آمده اید چرا پنهانی با آنان رابطه دوستی برقرار می
کنید؟ در حالی که من به آنچه پنهان داشتید و آنچه آشکار
نمودید داناترم و هر کس از شما چنین کند قطعاً از راه
درست منحرف گردیده است (۱)

إِنْ يَثْقَفُوكُمْ يَكُونُوا لَكُمْ أَعْدَاءً وَيَبْسُطُوا إِلَيْكُمْ أَيْدِيَهُمْ
وَالسِّنَّتُهُم بِالسُّوءِ وَوَدُّوا لَوْ تَكْفُرُونَ ﴿٢﴾
اگر بر شما دست یابند دشمن شما خواهند بود و بر شما
به بدی دست و زبان بگشایند و آرزو دارند که کافر شوید
(۲)

آیات ۱ و ۲ سوره ممتحنه

«گفت و گو و تعامل سازنده با جهان» نامی
زیبا و پر زرق و برق اما با فهمیدن دلیل این
نامگذاری روی روز ۲۳ تیرماه در تقویم
جمهوری اسلامی ایران، تجربه ای تلخ، از زرق
و برق آن می‌کاهد. در این روز، برجامی به
تصویب رسید که به گفته شخص رئیس
جمهور، عایدی‌اش برای ما «تقریباً هیچ»
بود. در این سال‌ها زخم زبان‌ها خوردیم و
متهم شدیم به تندروی و طرفداری از کاسبان
تحریم اما غافل از آنکه ما نه از مذاکره، که از
خوش خیالی و نه از تعامل، که از تغافل در
مذاکرات می‌ترسیدیم که ترسی بجا بود و
آثارش را دیدیم و دیدند.



در جستجوی معنا

نویسندگان: جویندگان معنا

اگر به مذاکره کشیده شدید، باخته اید. (هاشمی
رفسنجانی خطبه نماز جمعه تهران در ۲۷ فروردین
۱۳۶۱)

گویی هرچه بیشتر کنکاش می‌کنیم گره کور تر می‌شود و سوالات بی‌جواب ما افزون‌تر، و ما نیازمند گره‌گشایی این مسئله از رجال سیاسی هستیم چرا که گمان می‌رود ایشان به معنی این عبارت آگاه‌تر هستند و می‌توانند معنای جمله‌ای که در تقویم رسمی جمهوری اسلامی ایران وجود دارد را برایمان تبیین کنند و این پرسش ما را پاسخ دهند که تعامل در ادبیات سیاسی نیز همان معنا را دارد که در ادبیات فارسی است؟ یا تعریف جدیدی از تعامل در ادبیات سیاسی وجود دارد که ما از آن بی‌خبریم و مرحوم دکتر معین هم با رندی از آن در فرهنگ خود گذشته است. انتخاب این موضوع برای نشریه و این تاریخ برای انتشار آن بی‌شک کاری شجاعانه بود، چرا که موضوع را حول محوری قرار دادیم که نه در ادبیات، نه در روانشناسی و نه در جامعه‌شناسی معنای دقیقی برای آن موجود نیست.

واقعا چرا در فرهنگ معین مصدر تعامل قید نشده است؟ شاید دکتر معین اهل تعامل نبوده است. پس از جستجوی معنای این واژه در ادبیات به سراغ روان‌شناسی و جامعه‌شناسی رفتیم تا شاید گره از کارمان باز شود، اما نشد. با بررسی علت این نامگذاری که به مناسبت تصویب برجام بود نیز گره کورتر شد چرا که علاوه بر خود واژه‌ی تعامل، معنای واژه‌ی سازنده نیز برای ما در پرده‌ای از ابهام قرار گرفت.

محور این شماره از نشریه دغدغه را به مناسبت ۲۳ تیرماه، گفتگو و تعامل سازنده با جهان انتخاب کردیم. حال با دیدن این نام، اولین سوالی که در ذهن مخاطب ایجاد می‌شود اینست که اصلا تعامل یعنی چه؟ به فرهنگ‌شنش جلدی معین در کتابخانه رجوع کردیم و مرحوم دکتر معین هیچ تعریفی از تعامل نداده بود. تعجب کردیم که چگونه در فرهنگ معین معنای کلمه تعامل نیامده است. به لغت نامه‌ی دهخدا مراجعه کردیم و تعامل اینگونه تعریف شده بود: با یکدیگر داد و ستد کردن و به جمله‌ای از تاریخ یمینی بسنده کرده بود. بعنوان آخرین تلاش به فرهنگ عمید مراجعه کردیم و اینبار هم اثری از کلمه «تعامل» نبود!



تعامل بازنده

نویسنده: سیده لیلا ذاکری

مسلمانان را ذلیلانه می‌خواهند پای میز مذاکره بکشانند! که متأسفانه این کار را کردند، البته این به معنای حضور مسلمانان پای این میز نبود! حضور یک عده خائن پای این میز مذاکره بود! اما مسلمانان متنفرند و محکوم می‌کنند! قسمتی از سخنرانی حسن روحانی در سال ۱۳۷۰ مقابل لانه جاسوسی آمریکا - در اعتراض به کنفرانس مادرید (محفل عادی سازی روابط و سازش با رژیم صهیونیستی)

چرا ۲۳ تیرماه به اسم (تعامل سازنده با جهان) نام گذاری شده است؟

دولت یازدهم در اقدامی، روز ۲۳ تیرماه را روز گفتگو و تعامل سازنده با جهان نام گذاری کرد که به تصویب شورای عالی انقلاب فرهنگی نیز رسید. این روز مصادف با تصویب برجام است. رئیس جمهور در سالگرد تصویب برجام گفت: ۲۳ تیرماه ثابت کرد همانطور که در میدان جنگ قادریم در برابر توطئه های جهانی بایستیم و با آن ها مقابله کنیم و برای ملت پیروزی به ارمغان بیاوریم، در صحنه ی سیاسی، حقوقی و فنی هم این قدرت را داریم و می توانیم از حقوق ملت دفاع کنیم.

در همان روزها (سالگرد تصویب برجام) که بیش از ۶ ماه از اجرای برجام گذشته بود، مردم شاهد نتایج عملی آن در فضای بین المللی و وعده های داخلی دولت نبودند. حتی رسانه های غربی نیز اعتراف کردند ایران به اهدافی که در برجام تعیین شده بود نرسید! و طرف غربی با بدعهدی تعهدات نیم بند خود را نیز اجرا نکرد. رئیس جمهور نیز در سخنانی قابل تامل بیان داشت که به برجام امیدواریم اما به آمریکا بدبین هستیم. در ۱۸ اردیبهشت ۹۷، ایالات متحده آمریکا رسماً از برجام خارج شد! آمریکا که مهم ترین عضو دائم شورای امنیت سازمان ملل متحد و به تعبیری (کدخدا) است! با خروج از برجام عملاً باعث لغو غیررسمی این توافقنامه شد و پس از آن تنها ایران بود که متضرر گردید! برخی فعالان سیاسی پیشنهاد کرده بودند که روز ۲۳ تیر به عنوان روز بدعهدی آمریکا نام گذاری شود! (خب ما نیز پیشنهاد میکنیم این روز را به نام تعامل مخرب با آمریکا تغییر دهند و روز ۱۸ اردیبهشت را در تقویم به اسم پایان خوش باوری کدخدا پرستان مزین کنند!)

اطلاق چنین نامی برای چنین روزی با اینکه در ظاهر رویکرد مثبتی را به همراه دارد در عین حال سعی دارد این روز را به فصل نوینی از تاریخ ایران بدل کند که این موضوع با توجه به اتفاقات گذشته کشور و تاریخ جمهوری اسلامی ایران در تضاد است و این شائبه را به وجود می آورد که مگر در گذشته، جمهوری اسلامی ایران، بنای تعامل و گفتگوی سازنده با جهان را نداشت؟ اگر نگاه کلی به تاریخ انقلاب اسلامی بیندازیم متوجه سطح تعامل سازنده ایران با کشورهای مهم و مختلف دنیا می شویم که از زمان رهبر فقید انقلاب اسلامی تا به امروز دغدغه اصلی کشورمان بوده است. خواه ناخواه این نام گذاری به طور غیر مستقیم مخدوش کننده تاریخ دیپلماسی ایران است! آیا در عصر امام خمینی (ره) و همچنین در روزگار رهبری آیت الله خامنه ای تا قبل از تصویب برجام (که عملاً هیچ عایدی برای ایران نداشته است) ایران هیچ گفتگو و تعاملی با دیگر کشورها نداشته است؟ نکند منظور از جهان در این نام گذاری همان آمریکاست؟ یعنی کل دنیای رجال سیاسی ما در آمریکا خلاصه شده است؟

یعنی ما در دوران پسابرجام توانستیم تمام مشکلات کشور (حتی آب خوردن را) با این تعامل سازنده با کدخدا حل کنیم؟ پس چرا تا به امروز این تعامل سازنده فقط به ضرر و زیان ما بوده است؟ این سوالات مثل هزاران سوال دیگر برای ما بی پاسخ مانده است!



رهبر معظم انقلاب اسلامی امام خامنه ای (مدظله العالی):

جنتل من هاے پشت میز مذاکره همان تروریست هاے فرودگاه بغداد هستند.

۱۳۹۸/۱۰/۲۷



کمر پوزه کوتاه ایرانی را شکستند!

تنظیم کننده: سیده لیلا ذاکری

سانسور همان چیزی را که نهی می‌کند، به فریاد بلند اعلام می‌دارد. (آلبرکامو)

چندی بعد از توقیف این سریال، تهیه کننده گاندو با انتشار تیزری در توئیتر نوشت:

جناب آقای ظریف؛ ما را به دروغ گویی متهم کردید و به ما تهمت زدید. قول داده بودیم اسناد و مدارکی که پشتوانه پژوهشی سریال گاندو بوده است را در فیلمی مستند، در اختیار مردم قرار دهیم.

وعده ما: چهارشنبه شب حدود ساعت ۲۱ شبکه سه سیما، ما به عهد خود با مردم پایبندیم... اما متأسفانه پخش مستند پشت پرده گاندو نیز بدلیل فشار دولتی ها، به یکباره لغو شد!

بنظر می‌رسد در راستای حذف هر مطلبی منسوب به گاندو، زیستگاه این کروکودیل مظلوم در جنوب بلوچستان به محاصره درآمده! دعا می‌کنیم تا پایان دولت دوازدهم نسلش منقرض نشود...

حالا گاندو به عنوان مدلی از نمایش که درون سیستم به پاک سازی می پردازد، امیدواری هایی برای افزایش اعتماد به نفس برنامه سازان و سینمایی ها را پیش رو قرار داد. سریالی که در راستای تقویت اعتماد عمومی خوش درخشید و بالاخره جسارت و شهامت را در ورود به زوایای تاریک گعده نفوذی ها، قدرت آقازاده ها، واداده ها و رویزیونیست ها به نمایش گذاشت.

سریال گاندو درعین اهمیت در حوزه سیاست و وطن پرستی، ارزش های دراماتیک عامه پسندی هم داشت و این می توانست در جلب مشارکت توده ها و خواص مردد، موثر واقع شود؛ اما کوتاه بینی و فقدان درک از کار رسانه و نمایش منتقدانه که در سال های گذشته مانع از کارکرد درست رسانه شده بود، حالا با توقیف گاندو، بدفهمی و تحمل ضعیف آقایان به حد اعلا خودنمایی کرد. علی ای حال این رفتار دولت دوازدهم چیزی جز مردم ستیزی و فرصت دادن به دشمن نبود.

پخش مجموعه «گاندو۲» به کارگردانی جواد افشار و تهیه کنندگی مجتبی امینی که در ایام نوروز از شبکه سه سیما روی آنتن می رفت، نیمه کاره ماند و پخش آن به پس از انتخابات ریاست جمهوری موکول شد که همین موضوع شائبه فشار بر صداوسیما برای سانسور را تقویت کرد. هیچ اتفاق و رخدادی برای اصحاب رسانه دردناکتر از سانسورهای سلیقه ای دولت نیست. دولت آشنا به رکن چهارم دموکراسی و مدعی فضای تعامل، طاقتش به اندازه بچه دموکرات ها هم نیست. البته پیش از این نیز، اکثر منتقدان دولت، کیسه تندرو بودن به تنشان کشیده شده بود.

سال هاست از ساخت و نمایش فیلم های آمریکایی که قلب سنا را نشانه می روند و رئیس جمهورها را به صلابه می کشند، تعریف و تمجید کرده ایم تا شاید خودمان برسیم به نقطه ای که در نقد درون ساختار سیاسی ارتقاء یابیم!



پایان بازی فروشندگان

تنظیم کننده: سپیده قهرمان پور

اشکالی نداشت ما مذاکره کنیم، منتها در این مذاکره بایستی دقت و مراقبت لازم انجام میگرفت تا اینجور نباشد که طرف مقابل، هر غلطی دلش خواست بکند، نقض برجام محسوب نشود، اما ما اگر یک مختصر تکانی بخوریم، نقض برجام محسوب شود (رهبر معظم انقلاب در دیدار با رئیس و اعضای مجلس خبرگان)

در مستند «پایان بازی» (فروشنده ۳) یک سری ادله و اسناد درباره مذاکرات هسته ای و برجام مطرح شده است. انتظار ما این است که جواب ادله با ادله داده شود؛ آن هم از طرف افرادی که مدعی تحمل مخالف و آزادی بیان هستند واقعا به دور است که وقتی با پرسش هایی دلسوزانه و توأم با استدلال و سند مواجه می شوند، به جای پاسخگویی، با شلوغ بازی و شانتاژ دنبال فرار از پاسخگویی باشند.

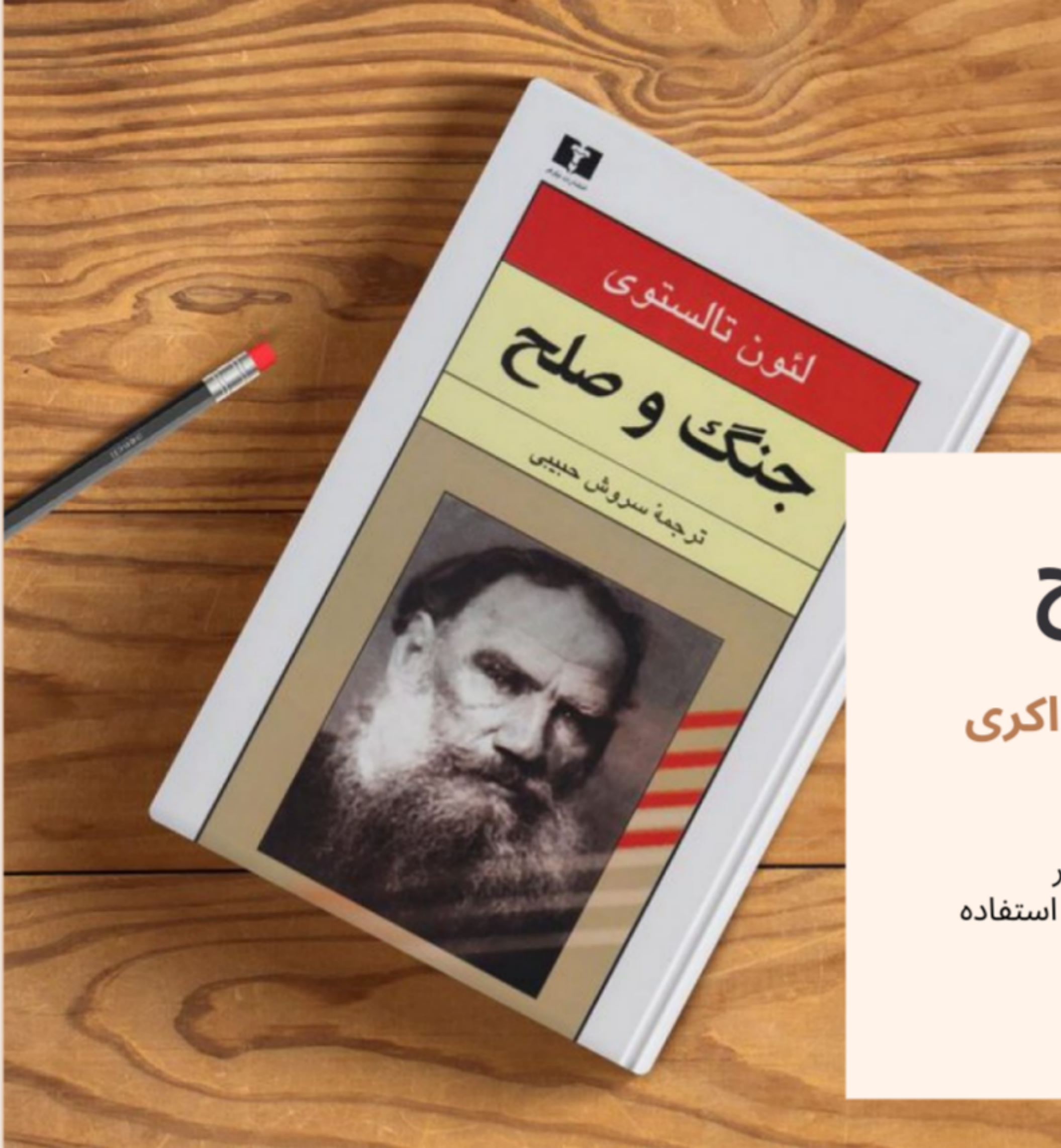
ما به عنوان دوستدار آقای ظریف در مستند «پایان بازی» درباره نامه گروه بحران و پیش نویس این گروه بین المللی و اینکه آیا در مذاکرات فعلی قرار است برجام تکرار شود، سوال پرسیدیم. این سوالات مطابق با منافع ملی و با نگاه دوستانه و دلسوزانه نسبت به دولت و آقای ظریف است.

سوال مهمی که منتقدین این مستند باید به آن پاسخ دهند این است که چرا بیشتر از آنکه به دیکته نویسی مذاکره کنندگان ایراد بگیرید، به حواشی آن پرداخته اید؟ آنهایی که روزی از انشاءخوانی مسئولین دیپلماسی کشور انتقاد می کنند چرا در برابر دیکته نویسی چنین سکوت کرده اند.

درکنار دیدن فیلم های بعضا هیجان انگیز و تخیلی، گاهی سرزدن به واقعیات از طریق دنیای تصویر، خالی از لطف نیست. با شنیدن نام مستند، اغلب راز بقا در ذهن ها نقش می بندد. اما این روزها مستندهایی که بر اساس ادله ها و مستندات دست به افشاگری هایی می زنند و به تحلیل ها و سواد سیاسی ما کمک می کنند کم نیستند. ما در این شماره از نشریه، یکی از این دست مستندها را به شما معرفی و تماشای آن را به شما پیشنهاد می کنیم. این مستند، به مذاکرات وین که در حال انجام است، می پردازد و هشدارهایی در این باره میدهد و واکنش های بسیاری را در پی داشته است.

نکات مهمی را از زبان تهیه کننده ی این مستند (جناب آقای حاج کرمی) بخوانیم:

مستند «پایان بازی» در واقع قسمت سوم مجموعه «فروشنده» است. ما در مستند «فروشنده ۱» به ناگفته های برجام و مذاکرات هسته ای پرداختیم و در «فروشنده ۲» نسبت به برجام های منطقه ای از جمله در حوزه موشکی هشدار دادیم. در فصل سوم «فروشنده» نیز به مذاکرات فعلی و تلاش طرف مقابل برای تحمیل شرایطی مشابه برجام پرداخته شده است.



جنگ و صلح

تنظیم کننده: سیده لیلا ذاکری

ادیان و مذاهب آمدند تا ما را در کنار هم در
مسالمت نگه دارند، اما چه شد؟ ما عرضه استفاده
از آن را نداشتیم
(جمله ای از کتاب جنگ و صلح)

این کتاب درس و پیام های مختلفی در بر دارد، اما وجه تشابه همه پیام های این کتاب میتواند این باشد که در این دنیای پر از حماقت حاکمان، پر از خشونت، پر از جنگ و خونریزی، پر از نفرت و کینه و سراسر ناآگاهی، هنوز هم میتوان شاد و خوشبخت بود و با وجود سخت ترین شرایط هم میتوان عاشق شد و به زندگی ادامه داد. ترس از جنگ ممکن است در دل هر فردی وجود داشته باشد اما این ترس نباید مانع ادامه زندگی شود در واقع هر فرد خود انتخاب میکند که چگونه با این موضوع روبه رو شود.

جنگ و صلح اثر تولستوی (نویسنده روسی)، اثری سراسر شگفتی است که هر خواننده ای را در خود غرق می کند. اثری که برخی منتقدین آن را کامل ترین رمان تاریخ میدانند. جنگ و صلح در کنار همه ی ارزش های ادبی که دارد، برگه از تاریخ نیز می باشد و ما هم آن را در لیست کتاب های پیشنهادی نشریه خود قرار دادیم و بدون تردید مطالعه ی آن را به شما توصیه می کنیم.

این رمان با ماجرای یک مهمانی آغاز می شود، صلح و آرامش در همه جا برقرار است این مهمانی وضعیت جامعه اشراف زاده را قبل از جنگ نشان می دهد. در اواخر همین مهمانی که سراسر شادی و زیباییست زمزمه هایی از جنگ وجود دارد. جوانان با حرارت درباره ی ناپلئون بناپارت صحبت میکنند که چگونه در اروپا ناآرامی ایجاد کرده است و به هیچ وجه در فکرشان نمی گنجد که او ممکن است روزی به روسیه حمله کند. ولی عاقبت این اتفاق تلخ رخ میدهد.



عاقبت به خیر

نویسنده: زینب تقی زاده طبری

یک ملت انقلابی معمولا حرف آخر خود را همان اول میزند. (شهید بهشتی)

سالهاست که کشور ما در انتظار برای حصول رهیافتی قاطع و روشن از این دوراهی تعامل و تقابل با دیگر کشورهاست. جمهوری اسلامی به گواه اسناد موجود، از آغاز شکل گیری تاکنون خواستار تعامل سازنده با دیگر کشورها بوده است و تنها رژیم اشغالگر قدس را آن هم به این دلیل که یک رژیم جعلی است قابل تعامل ندانسته و نمی داند، و آمریکا را به این علت که اولاً خواستار براندازی جمهوری اسلامی است و ثانیاً به علت آنکه آشکارا تسلیم شدن ایران را در مقابل خواسته های استعماری و استکباری خود دنبال می کند، درخور و شایسته تعامل نمی داند.

حالا چند سالی است که دولت تدبیر و امید با ادعا و شعار بازنگری در روابط سیاسی ایران با کشورهای دیگر، سعی در جلب خشنودی و حمایت آمریکا با لفظی به نام برجام دارد. مدتهاست که همگی می دانیم آمریکا به این معاهده پایبند نیست و نخواهد بود و تا حرف خودش را به کرسی ننشاند دست بردار نیست. حالا اینکه چرا دولت تدبیر و امید نمی خواهد این موضوع را باور کند یا این که باور می کند ولی ترجیح می دهد در کوچه علی چپ سیر کند، خود جای بحث و واکاوی دارد.

آقای دولت! مگر غیر این است که آزموده را آزمودن خطاست؟ پس چرا دست از سر این ایده عقیم برنمی دارید؟ و بارها و بارها آزموده را که در امتحان رد شده می آزمایید؟ نه جناب دولت مقصر شماست، مقصر شماست که در مواجهه با ظالم به جای مقابله به مثل، سیاست «هرچی شما بفرمایید، به روی چشم» را به کار می گیرید.

ولی این بار با روی کارآمدن دولت مردمی سیزدهم، سیاست ها فرق می کند. دیگر نگاهها از **کدخدا** به **خدا** تغییر جهت می دهد. دولت مردمی در همان ابتدای به روی کار آمدن و تنها با یک کلمه، اقتداری که در این ۸ سال رو به زوال و نابودی رفته بود را دوباره زنده کرد.

این دولت بزرگ از همان ابتدا به جای اینکه از حربه خواهش و سکوت در برابر شیطان بزرگ بهره بگیرد، در مواجهه با پاسخ «خیر» بایدن **پاسخ خیر** می دهد تا دشمن خیال راه انداختن خیمه شب بازی و به ملعبه گرفتن ملت شریف و بزرگ ایران را به سر راه ندهد. این خیر فقط یک معنی را می دهد یعنی **تغییر دیپلماسی التماس به اقتدار** همین و بس.



حنیفا نامه خطرناک تر از کرونا

نویسنده: سیده لیلا ذاکری

زن در اسلام زنده، سازنده و رزمنده است به شرط آنکه لباس رزمش لباس عفتش باشد. (شهید بهشتی)

حگونه فمینیسم به یک گفتگوی جهانی تبدیل شد؟

فمینیسم در اروپا زاده شد، در آمریکا رشد کرد و در قرن بیستم سازمان یافت. این جنبش تحت عنوان فرهنگ آمریکایی تا دورترین نقاط این عالم گسترده شد. امروزه کمتر فرهنگ یا خرده فرهنگی رامی‌توان پیدا کرد که آموزه های فمینیسم در آن رسوخ نکرده باشد، آموزه هایی همچون: برابری جنسیتی، حق تحصیل و کار همپایه مردان، تضعیف نقش مادری، تحقیر مردان، حق آزادی فردی به هر قیمتی و...

لیبرالیسم به عنوان فرهنگ مسلط غرب، نیاز به ابزاری قدرتمند داشت تا زنان را به عنوان قوی ترین عامل در ترویج این تفکر با خود همراه کند و فمینیسم توانست این نقش را به خوبی ایفا کند. این مکتب به عنوان یک مکتب فرد محور به دنبال چرخیدن بهتر چرخ کارخانه های تولیدی بود، از این رو برای سود بردن بیشتر، باید زنان (که نیمی از جامعه را تشکیل میدهند) را وارد بازار کار می کرد، فمینیسم با ایجاد موجی با عنوان برابری مردان و زنان در فرصت های شغلی، توانست تفکراتی را که به سود لیبرالیسم بود، رواج دهد و در ذهن زنان نفوذ کند.

این مکتب فکری، با القای این اندیشه که ماندن در خانه، شوهرداری و فرزند پروری مانع پیشرفت جامعه زنان شده است؛ بر این مساله پافشاری کرد که ماندن در خانه باید در انتهای لیست انتخابی یک زن قرار گیرد تا نقش زن در خانواده کمرنگ گردد. درواقع به زنان این حس را تلقین نمود که ماندن زن در خانه به یک زندگی انگلی و بی خاصیت منتهی می شود! و برآورده کردن نیاز همسر و فرزندان یعنی فدا کردن خود برای هیچ! و زنان طبق این تفکر، نقش ممتازی را که خداوند به آنان عطا فرموده را زیر پا له کردند، غافل از اینکه نقش های سنتی زنان و مردان برای هردو جنس، امنیت خاطر را به ارمغان می آورد!

فمنیسم این جنبش را با ارائه یک شخصیت فرودست و ضعیف از زنان آغاز کرد و وقتی زنان احساس عقب ماندگی کردند با تمام قوا به میدان آمدند تا حقی که از آنان ضایع شده بود را بازپس گیرند! و بدین ترتیب به خانواده پشت کردند. امروزه میلیون ها آمریکایی فکر می کنند لازمه پیشرفت زنان، رهایی از قید هرچیزی ست که باعث می شود توجه آنان از خود به سمت آن معطوف گردد. این در حالی است که در سال 2007 اداره ملی پژوهش اعلام کرد با وجود اینکه زنان امروز آزادی، تحصیلات و قدرت بیشتری نسبت به قبل دارند اما آمارها نشان می دهد زنان نسبت به ۲۰ سال گذشته، کمتر احساس خوشحالی میکنند و برخلاف قبل، دچار افسردگی شده اند.

به هر ترتیب، فمنیسم توانست به بهانه پیشرفت، زنان را وارد بازار کار کند به گونه ای که زنان داوطلبانه خواهان اشتغال در کارهایی شدند که برای آنان بسیار طاقت فرسا بود، این درحالی بود که حقوق و مزایایی کمتر نسبت به حقوق مردان، نصیب زن ها می شد. رقابت زنان در دانشگاه ها و شغل های مختلف باعث شد تا مشاغل متنوع را از چنگ مردان درآورده، نسبت به وظایفی که در خانواده داشتند کاملاً بی توجه شوند و به دلیل مشغله بسیار زیادی که در بیرون از خانه داشتند، علاقه خود را نسبت به ازدواج، مادر شدن و در نهایت تشکیل خانواده از دست بدهند! و آن دسته معدود از زنان که مایل به ازدواج بودند، با وجود داشتن شغل و درآمد بالا، خواهان ازدواج با مردانی بودند که شغل و درآمد بهتری نسبت به خود داشتند و چون مردان و زنان تقریباً در شغل و تحصیلات هم رتبه شده بودند، موقعیت ازدواج با این چنین معیاری ممکن نبود و به این دلیل این دسته از زنان نیز مجرد باقی می ماندند. در واقع زنان باور کرده بودند زندگی بدون تاهل برای آنان بهتر است!



بدین ترتیب، آمار ازدواج در آمریکا کاهش یافت. اما نیاز جنسی چه در زنان و چه در مردان نیازی غیر قابل انکار بود و هردو جنس به ارضای این نیاز خود از طریقی غیر از ازدواج روی آوردند. در اکثر جوامع بشری ارضای جنسی به هر طریقی ممکن گشت و این آزادی جنسی در نهایت به از بین رفتن هرگونه تعهد در روابط مرد و زن منتهی شد! و این مساله به نفع مردان جامعه تمام شد! زنان بصورت اجباری وارد مشاغل سخت می شدند و تن به روابطی می دادند که هدف مردان از آن لذت بردن محض، بی قید و بدون تعهد بود. فمینیسم با شعار برابری جنسیتی برای احقاق حقوق زنان وارد میدان شد اما در نهایت باعث شدت گرفتن مردسالاری و استفاده ابزاری هرچه بیشتر مردان از زنان گشت! جنس مرد از فمینیسم بیشترین بهره را برد؛ هر زمان که اراده می کردند می توانستند نیازهای خود را بدون قبول هرگونه تعهد برای سرپرستی، ارضا کنند سپس بدون هیچ منعی زن را ترک نموده و وارد رابطه با زنان زیباتر و جوانتر شوند! این زنان بودند که وقتی طراوت خود را از دست می دادند، باید به تنهایی زندگی خود را می گذراندند و اگر فرزندی از آن شوهر یا هم خانه سابق باقی مانده بود، مسئولیت کامل نگهداری آن را برعهده می گرفتند، که عملا کار در بیرون از خانه و نگهداری از فرزند بدون هیچ گونه کمکی برای زنان غیرممکن بود.

در چنین شرایطی زنان از نگهداری فرزند خود غافل می شدند و یا اگر می خواستند به پرورش فرزند خود مشغول شوند از محل کار اخراج می شدند. این مساله تبدیل به یک چالش جدی شد؛ چون نسل به جا مانده از این زنان اگر خوش شانس بود و توسط مادر رها نمی شد، با عقده ها و کمبود های فراوان قد می کشید و جامعه مملو از افرادی شد که اختلالات و بیماری های روانی بسیاری داشتند. مکتب فمینیسم برای حل این مشکل، سقط جنین را آزاد کرد، این حق را جزو حقوق مسلم زنان شمرد و با اعمال نفوذ در مراجع قانون گذاری، سقط جنین را به تصویب رساند تا زنان آزادانه تر وارد رابطه با مردان شوند و بدون منع قانونی، فرزندان خود را قبل از تولد از زندگی ساقط کنند. این آزادی نیز به بی بند و بارتر شدن مردان منجر شد و مردان را در کشور آمریکا به یک جنس سرکش و طغیان گر تبدیل کرد که دیگر هیچ ارزشی برای جنس زن قائل نبودند و خود را بیش از پیش برتر از زنان می دانستند.

تا به امروز، سقط جنین ۳۲ برابر بیشتر از کرونا منجر به مرگ شده است (باید توجه داشت که تعداد محدودی از آنها سقط درمانی محسوب می شود) و این یعنی: مکتب فمینیسم بسیار خطرناک تر از ویروس کروناست.

